

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یوری امیلیانوف
مترجم: ا. م. شیری
۰۶ می ۲۰۱۶

اسرار بیماری و مرگ ستالین و آغاز کارزار ستالین ستیزی

(بخش هشتم)

شروع هیستری ضد ستالینی

خروشچوف اصرار داشت نشان دهد، که ستالین "برای توجیه اعمال شیطنی" خود مفهوم "دشمن خلق" را ایجاد کرد. خروشچوف با تقبیح این "مفهوم" فراموش کرد، که خودش ۱۱ روز قبل در گزارش خود همان اصطلاح را به کار برد و گفت: "تروتسکیست‌ها، بوخارینیست‌ها، ناسیونالیست‌های بورژوازی و دیگر دشمنان اهریمنی خلق، طرفداران احیای سرمایه‌داری به تلاش‌های نومیدانه‌ای برای تضعیف وحدت لنینی صفوف حزب از درون دست زدند - و همه آنها فقط آبروی خود را در مقابل این وحدت بردند. اگر بخواهیم مسأله را به طور جدی مورد بررسی قرار دهیم، لازم به گفتن است، که اصطلاح دشمن خلق (*lennemi du peuple*) ابداعی ستالین یا بلشویک‌ها نبوده، بلکه، ریشه باستانی دارد و در دوره انقلاب کبیر فرانسه نیز به طور وسیع از آن استفاده شده است.

بررسی موضوعات کلیدی گزارش خروشچوف: "سرکوبی‌های ستالینی"، شکنجه‌ها، تیرنه‌ها.

او در گزارش خود ضمن بررسی جزئیات پرونده روبرت ایندريکويچ ایخه (Роберт Индрикович Эйхе)، نیکولای ایوانویچ یژوف (Николай Иванович Ежов)، یان ارنست‌اویچ رودزوناک (Ян Эрнестович Рудзутак)، آ. م. رُزنلیوم (А.М Розенблума)، ای. د. کاباکوف (И.Д. Кабакова)، س. و. کاسیور (С.В. Касиор)، ولاس یاکولیویچ چوبار (Влас Яковлевич Чубарь)، پاول پترُویچ پُوستیشیف (Павел Петрович Постышев)، الکساندر واسیلیویچ کوسارف (Александр Васильевич Косарева)، (Петрович Постышев) خصوصیات همه آنها را مثبت ارزیابی کرد. لازم به ذکر است، که در همه این موارد متهمان اظهار داشتند که در زیر شکنجه به فعالیت‌های ضد شوروی اعتراف کرده‌اند. خروشچوف با "اعتماد" قطعی به همه این اظهارات می‌گوید: "همه محکومان دوره ستالین، قربانیان بی‌گناه هستند. این مدعیات (افسوس!) چندان قرابتی هم با عقل متعارف ندارد - این مورد به بررسی نیاز ندارد - یعنی در دوره ستالین قربانیان بی‌گناه به زندان افتادند، اعدام شدند." درست در این زمان یک اصطلاحات عجیب و غریب ابداع شد (توجه داشته باشیم - کاملاً "مناسب" به خاطر هدفی که آن ایجاد شد) - به

جای کلمه محکوم، اصطلاح "مجازات شده"، به جای "تبرئه با حکم دادگاه"، اصطلاح "اعاده حیثیت" استفاده شد. دروغ بزرگ در باره "مجازات‌های ستالینی" به این نحو پدید آمد.

میخائیل سرگئیویچ سالامنتسوف (Михаил Сергеевич Соломенцев)، عضو سابق دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، رئیس کمیسیون اعاده حیثیت در دوره گوریچوف، گواهی می‌دهد: "می‌گفتند، که اعتراضات لازم را از طریق ضرب و شتم و شکنجه می‌گرفتند. اما هیچ مدرک یا اظهار شفاهی از سوی آسیب‌دیدگان دال بر تأیید چنین ادعاها را من ندیدم و نشنیدم. من به لحاظ موقعیت خدمتی خود، با بسیاری از آسیب‌دیدگان سرکوبی‌ها صحبت کردم. با همه آنها که مصاحبت داشتم، مورد ضرب و شتم در بازجویی‌ها را تأیید نکردند. به سؤالات من اغلب پاسخ می‌دادند: "به من دست نزنند، اما به دیگران چطور، من نمی‌دانم." ...نامه "مطلقاً محرمانه" آباکوموف، وزیر کشور به تاریخ ۱۷ جولای ۱۹۴۷ به ستالین بسیار قابل تأمل است. در سطر اول این سند نسبتاً بزرگ آمده است: "در باره وضعیت پیش‌آمده در نهادهای وزارت امنیت ملی پیرامون انجام بازجویی جاسوسان، خرابکاران، تروریست‌ها و اعضای تشکیلات مخفی ضد شوروی گزارش می‌دهم. در رابطه با دستگیرشدگانی که در مقابل تحقیقات سرسختانه مقاومت می‌نمایند، تحریک‌آمیز رفتار می‌کنند و برای طولانی کردن دوره تحقیقات یا انحراف آن از مسیر قانونی، به روشهای مختلف متوسل می‌شوند، قواعد نگهداری سختگیرانه اعمال می‌شود. این قواعد عبارتند از:

ا - انتقال به زندان‌های دارای شرایط سخت‌تر، که در آنها ساعات خواب کم شده و شرایط نگهداری دستگیرشدگان به لحاظ تغذیه و سایر نیازهای معیشتی بدتر است؛

ب - انتقال به سلول انفرادی؛

ج - محرومیت از هواخوری، دریافت بسته‌های مواد غذایی و حق مطالعه کتاب؛

د - انتقال به سلول تک نفره حداکثر به مدت ۲۰ روز.

در ارتباط با جاسوسان، خرابکاران، تروریست‌های افشاء شده در نتیجه تحقیقات و سایر دشمنان فعال خلقهای اتحاد شوروی که از معرفی همدستان خود گستاخانه امتناع می‌کنند و یا خود را مجرم نمی‌شناسند، نهادهای وزارت امنیت ملی بر اساس دستورالعمل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) به تاریخ ۱۰ جنوری سال ۱۹۳۹ تدابیری برای تنبیه بدنی اتخاذ می‌نمایند.

در مرکز - با مجوز رهبری وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی.

در مناطق - با مجوز وزیران امنیت ملی جمهوریها و رؤسای ادارات امنیت ملی نواحی و استانها.

لزوم مجوز رهبری بلندپایه برای اقدام به تنبیه بدنی را شهادت رئیس سابق زندان‌های داخلی وزارت امنیت ملی اتحاد شوروی، الکساندر نیکولایویچ میرونوف (Александр Николаевич Миронов) به تاریخ ۲۳ دسمبر ۱۹۵۵ نیز تأیید می‌کند. بخوانیم: "تنبیه بدنی بازداشت‌شدگان در زندان‌های داخلی وزارت کشور اتحاد شوروی از ماه دسمبر سال ۱۹۵۲ شروع شد، و تا این وقت، مأموران ما طبق دستورالعمل رومین (Рюмин)، معاون وزیر امنیت ملی و معاونان او از تاریخ ۶ نومبر سال ۱۹۵۲ به زندان لفورتوفسکی اعزام می‌شدند. ما در زندانها دفتر ثبت تنبیهات بدنی داشتیم. اما در ارتباط با هر زندانی در هر مورد مشخص از هر معاون وزیر ذیربط که بر شعبه خاصی نظارت می‌کرد، مجوز دریافت می‌کردیم. مطابق اظهارات من نوشته شد، خواندم و صحیح است. میرونوف".

در اینجا یک سؤال طبیعی پیش می‌آید: پس این دفاتر ثبت ضرب و شتم کجا هستند؟ چرا آنها را به پژوهشگران تاریخ، به عموم مردم نشان نمی‌دهند؟ آخر این دفاتر از قدرت تأثیرگذاری عظیمی برخوردار هستند. در هر حال، دولت روسیه

نه تنها تا امروز از انتشار مدارک مربوط به "مجازات‌های ستالینی" خودداری می‌کند، حتی به هیچ محققی هم اجازه نزدیک شدن به آنها را نمی‌دهد. این چیزی نیست جز تلاش برای "جاودانه‌سازی" گزارش افسانه‌ی خروشچوف، افسانه‌ی کنگره بیستم.

سخنانی چند پیرامون "اعاده حیثیت از قربانیان مجازات‌های سیاسی".

انتظار می‌رفت، که در اینجا دمکرات‌های بورژوازی عشق خود را به "فرهنگ حقوقی" و "قانونیت" نشان خواهند داد. اما نه! قانون جمهوری فدراتیو روسیه مصوب ۱۸ اکتوبر ۱۹۹۱ در خصوص "اعاده حیثیت از قربانیان مجازات‌های سیاسی" را می‌توان تمسخر اصول اولیه حقوق نامید. در ماده ۵ این قانون گفته می‌شود: "اقدامات زیر حاوی هیچ خطر عمومی نبوده و از محکومان به این اتهامات، صرفنظر از اتهام واقعاً مستدل‌شان اعاده حیثیت می‌شود: آ- تبلیغ و ترویج علیه اتحاد شوروی؛ ب- انتشار آگاهانه کذب و جعل برای بی‌اعتبار کردن حاکمیت یا نظام اجتماعی اتحاد شوروی". پس تکلیف این ماده کلاسیک: "قانون عطف به ماسبق نمی‌شود"، چه می‌شود؟ می‌گویند از بی‌گناهان اعاده حیثیت شد، یعنی، از کسانی که علیه حاکمیت اتحاد شوروی مبارزه نکردند. خوب. پس چرا بعد از کنگره بیستم که راه اعاده حیثیت جمعی را باز کرد، محکومان نه این که طبق موازین حقوقی با حکم دادگاه، بلکه، با تصمیم گروه ویژه "سه نفره" یک مأمور دادستانی، یک نماینده کمیته مرکزی و یک عضو اعاده حیثیت شده کمیته مرکزی (تبرئه و آزاد شدند؟) چرا برای اعاده حیثیت فقط صحبت اعضای کمیسیون با خود زندانیان و آشنائی مختصر با پرونده آنها کافی بود و سپس خود پرونده‌ها نابود شدند؟

خود خروشچوف ضمن متهم کردن ستالین به همه گناهان کبیره، در آستانه کنگره بیستم دو بار در یکی از جلسات هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از یاگود (Ягод) و یژوف (Ежов) به عنوان بیگناه نام برد. در ابتدای صورت جلسه اجلاس سخنان خروشچوف نوشته شده است. او گفت: "یژوف، به طور مسلم بی‌گناه است، انسانی پاک است". به دنبال این اضافه می‌کند: "یاگود، به طور قطع بی‌گناه است، انسانی پاک است".

بسیار خوب، نیکیتا! یاگود (Ягод) و یژوف (Ежов) انسانهای پاک و صادقی هستند. اما خود تو در همان دوره به گفته خودت "سرکوبی‌های ستالینی" چه کار می‌کردی؟ در این باره در خود گزارش حتماً یک کلمه گفته نمی‌شود. به اسناد رجوع می‌کنیم! الکساندر اوسپنسکی (Алек-сандр Успенский)، وزیر کشور اوکراین ادعا می‌کند: "پس از آن که ستالین بیست وفادار، نیکیتا سرگئی‌اویچ خروشچوف (Никита Сергеевич Хрущёв) به اوکراین آمد، ما به طور جدی با "دشمنان خلق" مقابله کردیم. همه اعضای دفتر سیاسی (به جز یک نفر)، کمیسیون تشکیلات، هیأت دبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست اوکراین (بلشویک) بازداشت شدند. سخنرانی خروشچوف در باره "مجازات‌ها"، عملکرد خود او را به وضوح نشان می‌دهد. او در ماه جون سال ۱۹۳۸ در کنگره چهاردهم حزب کمونیست اوکراین (بلشویک) گفت: "ما باید با دشمنان، تحریک‌کنندگان و بدگویان قاطعانه مبارزه کنیم. مبارزه تا کنون بسیار بی‌روح انجام شده است. ما باید... با جاسوسان و خائنان با بی‌رحمی مقابله کنیم. باید کار آنها را یکسره کنیم". یوری ژوکوف (Юрий Жуков)، پژوهشگر تاریخ ادعا می‌کند، مدرکی دیده است که طبق آن، خروشچوف افزایش لیست محکومان "رده اول" بدون ذکر نام خانوادگی تا ۲۰ هزار را خواستار شده است. میخائیل سرگئی‌اویچ سالامنتسوف (Михаил Сергеевич Соломенцев) گزارش می‌دهد: "رئیس سازمان امنیت ملی ویکتور میخائیل‌اویچ چبریکوف (Виктор Михайлович Чебриков) چندی بعد به اطلاع من رساند، کمیته مدرکی در دست دارد که نشان می‌دهد در دوره رهبری خروشچوف بر سازمانهای حزبی در اوکراین و مسکو، او یک گروه "سه نفره" را مدیریت می‌کرد که طبق تصمیم آن، ده‌ها هزار نفر در مسکو و چندین برابر بیش از آن در اوکراین مجازات شده

است." در این باره که ن. س. خروشچوف مدارک افشاءکننده خودش در آرشیوها را به سرعت از بین می‌برد، در سالهای قبل از "استعفای" او تقریباً به طور علنی صحبت می‌شد. بنا به نوشته ولادیمیر پاولویچ نائوموف (Владимир Павлович Наумов) کارشناس تاریخ، در سال ۱۹۵۵ مدارک بریا، اسناد مرتبط با ستالین و سایر رهبران حزب با دستور خروشچوف نابود گردید. در مجموع ۱۱ گونی کاغذ از بین برده شد. هر قدر مدارک مطمئن‌تر نابود می‌شدند، خروشچوف به مراتب بیشتر از آن احساسی‌تر همان جرایمی را تقبیح می‌کرد که خود او در وقوع آنها شرکت داشت".
ادامه دارد...

<http://www.vkpb.ru/index.php/sovetskaya-istoriya/item/2451-k-60-letiyu-antistalinskogo-doklada-khrushchjova-na-xx-s-ezde>

ویراستار اولی: حسین کوشی

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵